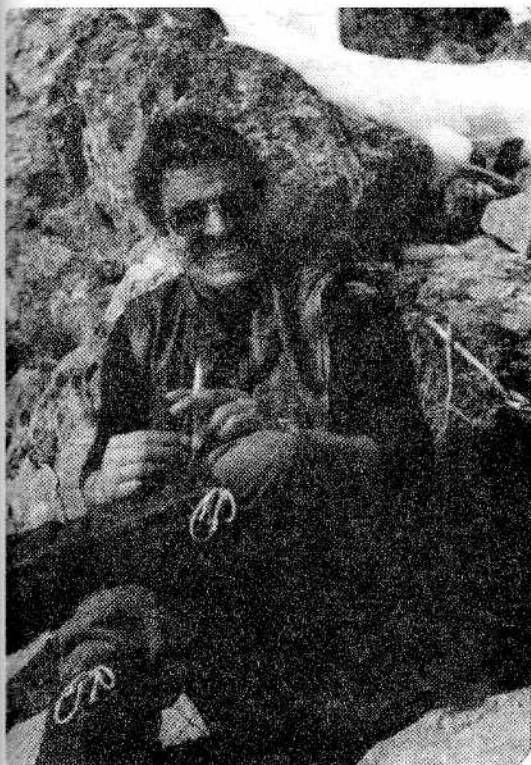




زرننگ‌ترهای آسایش طلب رزرو شده؟ برای پول، که از جیب هم باید مایه بگذاری... پس برای چه؟! برای زندگی! برای پیشرفت! برای انسانیت! برای بیرون رفتن از دایره‌ی تنگ فردیت و خودپرستی مبتذل. برای ایجاد فرهنگ جمعی و مشارکت اجتماعی. ناصر چنین آدمی بود. شاید دیگران از این کارها فرمان‌دهی و احترام بخواهند که در مقابل عیوب دیگران، عیب بزرگی نیست. اما ناصر نفس زندگی صحیح و جمعی و خوشبخت را دوست داشت، و آنچنان «خاکی» بود که به نظر می‌رسید حتی در خیال هم در این عوالم سیر نمی‌کند.

صحبت در این مورد زیاد شد، با این که هنوز حق مطلب ادا نشده است. بگذریم و مطلب دیگری را مطرح کنیم: شاید عده‌ای گمان کنند ناصر خوشه‌چین در حاشیه‌ی کوه‌نوردی به سر می‌برد و به ایجاد تشکل و

جمع کردن کوه‌نوردان و پناهگاه‌سازی بیشتر از کوه‌نوردی مشکل و سطح بالا می‌پرداخت. چنین نیست او کوه‌نورد سازنده و سازمان‌دهنده بود و در زمان خود کارهای کوه‌نوردی بزرگی در سطح کشور انجام داد که صعود قله تیریچمیر تا ارتفاع ۷۵۰۰ متر (به سرپرستی ابراهیم بابایی) یکی از آنهاست. این صعود را می‌توان بهترین صعود قبل از انقلاب روی قله‌های بلند دانست. زیرا تمام برنامه‌ریزی‌ها و تدارکات برعهده‌ی خود کوه‌نوردان بود و بدون استفاده از کمک کوه‌نوردان خارجی یا راهنمایی و کمک‌های فنی شریاها انجام شد. از دیگر صعودهای مهم او که اغلب به سرپرستی بابایی انجام شده، می‌توان صعود زمستانی شمال شرقی دماوند، صعود زمستانی کول جنون در سال ۶۲ (که تا همین دو سال پیش تکرار نشده بود)، صعود زمستانی گرده آلمان‌ها را نام برد، و همچنین صعودهای دشوار زمستانی دیگر که به همت خودش و همراهانش انجام شد. مثل صعود قالی‌کوه و کزینستون، گل‌گل و گل‌گهر و سن‌بران و... البته اضافه کنیم منطقه گردی‌های متعدد تابستانی را.

ناصر، زندگی، شادی، کار و خدمت به دیگران را دوست داشت. از بدگویی و غیبت دوری می‌کرد. فخرفروشی و سرپرست‌بازی و خودنمایی که عمدتاً ناشی از ضعف شخصیت است در او نبود. به کار خوب و مهارت ارج می‌گذاشت و سر فرود می‌آورد. در واقع او در فکر منافع جمع بود و نفع خود را در نفع کل کوه‌نوردی می‌دید، و اگر در جایی این دو در تضاد قرار می‌گرفتند، از فدا کردن منافع خود در راه نفع جمع ارضا می‌شد. یاد او گرامی باد.

به گیتی چنان کوش چون بگذری

سرانجام نیکی بر خود ببری